

بردباری پیامبر عظیم



در شیران

سیده طاهره آقا میری

مقدمه

واژه صبر بر خلاف سایر واژه‌های اخلاق اسلامی که واجد یک معنا می باشد، به تنهایی ریشه و اساس بسیاری از خصوصیات اخلاقی است. بدین معنا که به دلیل نقش صبر در تقویت ایمان، اگر این صفت در اعماق قلب فردی تجلی یابد کلیه رفتارهای وی اسلامی و مکتبی می گردد.

راغب در مفردات می گوید:

صبر به معنی خودداری کردن در تنگناها و حبس کردن هوای نفس است در برابر عمل به مقرراتی که عقل و شرع معتبر می شمارد و یا ترک چیزهایی که عقل و شرع اقتضا می کند که نفوس را از ارتکاب آن باید حبس کرد.^۱

صبر، ثبات نفس و اطمینان و مضطرب نگشتن آن در بلا یا و مصائب و مقاومت کردن در حوادث و شدائد است، به نحوی که سینه او تنگ نشود و پریشان خاطر نگردد و گشادگی و طمأنینه‌ای که پیش از حدوث واقعه داشت، زوال نپذیرد. متعلق صبر عبارت است از مقاومت کردن نفس در مقابل هوی و هوس و نیز ثبات قوه عاقله در مقابل قوه شهویه.^۲ به عبارتی صبر، ثبات و استقامت نفس و مضطرب نشدن آن به هنگام رویدادهای سخت است. بنابراین صبر، قدرت اراده ایمانی و تسلط آن بر هیجان‌ها و انفعال‌های نفسانی است که منشأ آن آرزوها و تأثرات بیرون از نفس می باشد.

عمده‌ترین مسأله‌ای که در تعاریف فوق نهفته است مسأله «تحمل» می باشد. بدین

معنا که عنصر «تحمل» جزء لاینفک صبر است که در موارد مختلف معنای مناسب خویش را پیدا کرده و در هر مورد نام خاصی را به خود اختصاص می دهد.

به عنوان مثال اگر تحمل و خودداری در مقابل خشم باشد بدان «حلم» گویند که خلاف آن غضب است و اگر در امساک از سخن گفتن باشد «کتمان» نامیده می شود و عکس آن «ازاعه» به معنی فاش کردن است.

از آنجا که ایمان عبارت است از یقین قلبی به عقاید حقه اسلامی و عمل به فرامین و ترک نواهی، چیزی که شخص را به عمل و او می دارد همان تحمل کردن و خودداری از پذیرش خواهش های نفسانی می باشد زیرا نفس نسبت به عدم انجام طاعات و به انجام معاصی گرایش دارد و کسی که طاعات را انجام می دهد و معاصی را ترک می کند فشار درونی نفس را تحمل کرده و این بیانگر نقش صبر در ایمان است.

چنانکه امام صادق (ع) می فرماید:

الصبر من الايمان بمنزلة الرأس من الجسد، فاذا ذهب الرأس، ذهب الجسد، و كذلك اذا ذهب الصبر، ذهب الايمان؛^۳ صبر نسبت به ایمان به منزله سر است نسبت به بدن، پس وقتی سر رفت، جسد برود و وقتی که صبر رفت ایمان برود. صبر مادر همه کمالات است. صبر در جنگ مایه شجاعت، صبر در برابر گناه وسیله تقوا و صبر از دنیا، نشانه زهد است و صبر در شهوت سبب عفت و صبر در عبادت موجب طاعت است.

اینجاست که به عمق سخن پرمایه پیامبر (ص) پی می بریم که می فرماید:

الصبر نصف الايمان؛^۴ صبر نیمی از ایمان است.

عمل به فرمان های الهی که لازمه ایمان است فقط با صبر و تحمل به وقوع می پیوندد و کسی که در وادی ایمان قدم می گذارد باید خود را به این صفت بیاراید زیرا اولین مرحله ایمان و تقوی که دوری از محارم است تنها با صبر و تحمل در برابر خواسته های نفسانی تحقق می یابد.

درجات صبر

صبر فرو بلعیدن جرعه جرعه تلخی ها و سختی های مصیبت و طاعت و ترک

معصیت است .

چنانکه علی (ع) از قول پیامبر (ص) درجات صبر را چنین بیان می کنند :

الصبر ثلاثة : صبر عند المصيبة و صبر على الطاعة و صبر من المعصية . فمن صبر على المصيبة حتى يردّها بحسن عزائها كتب الله له ثلاث مائة درجة ما بين الدرجة الى الدرجة كما بين السماء الى الارض و من صبر على الطاعة كتب الله له ستمائة درجة ما بين الدرجة الى الدرجة كما بين تخوم الارض الى العرش و من صبر عن المعصية كتب الله له تسع مائة درجة ما بين الدرجة الى الدرجة كما بين تخوم الارض الى منتهى العرش .^۵

صبر بر سه گونه است ، صبر هنگام مصیبت و صبر بر طاعت و صبر از معصیت . پس هر که بر مصیبت صبر نماید تا آن که آن را با تسلی زیبایش برگرداند (صبر جمیل) خداوند برایش سیصد درجه بهشت ثبت می نماید که فاصله یک درجه تا درجه دیگر همانند فاصله میان آسمان تا زمین است و هر که بر طاعت صبر نماید خداوند برایش ششصد درجه ثبت نماید که فاصله هر درجه تا درجه دیگر همانند فاصله میان عمق زمین تا عرش می باشد و هر که از معصیت صبر نماید خداوند برایش نهصد درجه بهشت ثبت می نماید که فاصله یک درجه تا درجه دیگر همانند فاصله میان عمق زمین تا انتهای عرش می باشد .

از میان اقسام سه گانه صبر ، صبر بر ترک معاصی مشکل تر بوده و فشار بیشتری را به دنبال خود دارد و از ارزش بیشتری برخوردار است . امام سجاد (ع) در طلب صبر از خدا چنین درخواست می کند :

خدایا به تو پناه می برم از هیجان حرص و آز و تسلط خشم و حاکمیت شدید خصلت حسادت و ضعف نیروی مقاومت و پایداری و تنگی خلق و بدخویی و فشار مداوم شهوات و خصلت تعصب و حمیت جاهلانه و پیروی خواهش ها و ستیز با هدایت ها و رستگاری ها .^۶

البته صبر بر عافیت نیز از صبر بر بلا سخت تر است زیرا آدمی به مجرد اینکه اسباب راحتی برایش فراهم شود طغیان و سرکشی می کند و در شادی و خوشی از حد می گذرد . این انسان لیطفی آن راه استغنی . (علق ، ۹۶/۷ و ۶)

صبر در قرآن

واژه صبر در قرآن ۱۰۳ بار تکرار شده است که در بسیاری موارد کاربرد آن مطلق است و مصداق خاصی برای آن ملحوظ نشده و به معنای مطلق پایداری و شکیبایی از هر نوع آن است و در بعضی آیات به نوع خاصی از صبر اشاره دارد. در بخشی از این آیات سخن از صبر و بردباری پیامبر (ص) است.

صبر و بردباری پیامبر (ص):

پیامبر اکرم (ص) در میان انبیای الهی بیشترین بردباری و شکیبایی در امر هدایت مردم را داشت. ابن شهر آشوب از قول اهل علم و تاریخ آورده است: پیامبر (ص) بردبارترین مردم بود.^۷

پیامبر (ص) خود می فرمایند:

بعثت للحلم مرکزاً وللعلم معدناً وللصبر مسکناً؛^۸

برانگیخته شده‌ام که مرکز بردباری و معدن دانش و مسکن شکیبایی باشم. انسانی که سینه‌اش آکنده از نور علم و حکمت است کانون بردباری و شکیبایی و رحمت است و انسان بردبار نمی شود مگر آن که به انوار توحید و معرفت‌های الهی تأیید شود. هنگامی که در جریان جنگ احد مخالفان پیامبر (ص) حضرت حمزه سید الشهداء را با قساوت به شهادت رساندند، پیامبر (ص) فرمودند:

اللهم لك الحمد واليك المشتكى و انت المستعان على ما أرى.

و فرمود اگر بر آنان مسلط شوم آنها را مثله می کنم در این هنگام آیه ذیل نازل شد: و ان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به و لئن صبرتم لهو خیر للصابرين. (نحل، ۱۶/۱۲۶)

پیامبر (ص) فرمود: اصبر، اصبر، خدایا صبر می کنم، صبر می کنم.^۹

در صبر لذتی است که در انتقام نیست. جنگ هم قانون و اخلاق دارد، قانون به تنهایی کارساز نیست اخلاق هم لازم است.

در آیه فوق خداوند می فرماید: اگر در مقام تلافی برنیابید و بر تلخی عقاب دشمنان بسازید، این صبر شما در حقیقت ایثار رضای خدا و ثواب او بر رضای خودتان و آرامش قلب خودتان است. لذا عمل شما آثار نیکویی در پی دارد چنانکه نتیجه این گذشت پیامبر که در

نوع خود در تاریخ بی نظیر است در جریان فتح مکه وقتی پیامبر دستور عفو عمومی را صادر کرد باعث شد تا مردم گروه گروه به اسلام در آیند: بدخلون فی دین الله افواجا. (نصر، ۲/۱۱۰) آنچه قابل تأمل است اینکه تنها با نیروی الهی و انگیزه معنوی و با توفیق الهی است که می توان همه تلخی ها را در راه خدا چشید.

و اصبر و ما صبرک الا بالله. (نحل/۱۲۷)

و چه بسا بدون حول و قوه الهی چنین عفو و گذشتی هم مؤثر نیفتد. پس ادامه آیه خطاب به پیامبر می فرماید: «و لاتحزن علیهم» و با حوصله به تبلیغ ادامه ده زیرا نباید در راه دعوت به سوی حق و عمل به حق بی تابی کرد و مأیوس شد و از میدان مبارزه و عمل به وظیفه خارج شد، چرا که تکیه گاه انسان خداست و نباید از توطئه دشمنان نگران شد و گمان کرد که در تنگنا و محدودیت قرار گرفته ایم پس از مکر دشمنان حوصله تان سر نرود.

و لاتک فی ضیق مما یمکرون. (نحل/۱۲۷)

نکته دیگری که در راه تبلیغ و ارشاد و انجام وظایف الهی باید توجه داشت اینکه استقامت به خاطر خدا باشد نه برای کسب عناوین قهرمانی یا مقام و ثروت و قدرت و موقعیت بلکه استقامتی خالی از افراط و تفریط، استقامتی که در آن طغیان نباشد: فاستقم كما امرت و من تاب معک و لاتطفوا... (هود، ۱۱۲/۱۱)

دو حدیث معروف از ابن عباس در خصوص آیه فوق می خوانیم:

ما نزل علی رسول الله (ص) آیه کانت اشد علیه و لا اشد من هذه الآیه و لذلك قال لاصحابه حین قالوا له اسرع الیک الشیب یا رسول الله؟ شیبتنی هود و الواقعه؛^{۱۰}

هیچ آیه ای شدیدتر از این آیه بر پیامبر (ص) نازل نشد! لذا هنگامی که اصحاب از آن حضرت پرسیدند چرا به این زودی موهای شما سفید و آثار پیری نمایان گشته؟ فرمود: مرا سوره هود و واقعه پیر کرد.

تفسیر در المنثور در ذیل آیه فوق روایت دیگری را آورده که وقتی آیه فوق نازل شد پیامبر (ص) فرمود:

شمروا، شمروا فمارأی ضاحکا؛ دامن به کمر بزنید، دامن به کمر بزنید که وقت تلاش است. و از آن پس پیامبر (ص) هرگز خندان دیده نشد.

فرمان به استقامت که از ماده قیام است از این نظر است که انسان در حال قیام تسلط بیشتری در انجام کار و امور مورد نظر خود دارد و در پیامبر باید حالتی ایجاد شود که هیچ سستی در آن ایجاد نشود. این آیه آنچنان پیامبر را در زیر بار مسئولیت فرو برد که حتی مجال لبخند زدن را از پیامبر گرفت و ایشان را پیر کرد.

آری این استقامت باید در مرحله عالی خود صورت پذیرد چنانکه خداوند در آیه ۱۵ سوره شوری خطاب به پیامبر می فرماید: «و استقم كما امرت و لاتتبع اهواء هم؛ آنچنان که مأمور شده‌ای ایستادگی کن و از هوای نفس ایشان پیروی مکن».

یعنی این استقامت از نظر کمیت و کیفیت و سایر خصوصیات منطبق بر دستورات الهی باشد و از آنجایی که هوی و هوس های مردم از بزرگترین موانع این راه است از آنها پیروی مکن زیرا سرانجام پیروی از تمایلات و منافع شخصی گروه های مختلف نفاق و پراکندگی است، لذا همه را گرد آئین واحد پروردگار جمع کن و در مأموریت پایداری نما چنانکه به گفته راغب^{۱۱} «و استقم» به معنای ملازمت طریق مستقیم است که این طریق مستقیم همان دین است که بر پیامبر (ص) تشریح شده است.

بنابراین پیامبر (ص) بر اساس دستور الهی در مقابل آزار و اذیت قریش جز بردباری از خود نشان نداد و پس از نبرد احد عده‌ای از اصحاب از او خواستند تا قریش و مشرکان را نفرین کند فرمود:

اِنَّمَا لِم اَبْعَث لِعَانَا و لَكِن بَعَثْتُ دَاعِيَا و رَحْمَةً اللّٰهُم اَهْد قَوْمِي فَا نَهْم لَا يَعْلَمُوْنَ؛^{۱۲}
من برای لعن و نفرین برانگیخته نشده‌ام بلکه برای دعوت به حق و رحمت برانگیخته شده‌ام. خدایا قوم مرا هدایت کن که آنان نمی دانند.

به همین سبب پیامبر از همه خلق بردبارتر بود چنانکه نقل شده است:

كان رسول الله (ص) اصبر الناس على اوزار (اقدار) الناس؛^{۱۳} رسول خدا (ص) از همه خلق بر گناهان مردم شکیباتر بود.

وقتی از نقطه روشن تاریخ اسلام به روزهای تاریک پیشین می نگریم این نوع نگرش واقعیات را به گونه‌ای دیگر مجسم می کند. ما باید خود را در آن روز تصور کنیم که پیامبر با دشمنان لجوج و حتی برخی از خویشاوندان که در صف اول مخالفان با پیامبر بودند و یا تحمیل محاصره اقتصادی سیاسی بر ایشان و... رو به رو بودند.

روزهایی که بر پیامبر گذشت توصیف آن با بیان و قلم مشکل است. وقتی برای دعوت مردم به طائف آمد نه تنها دعوتش را اجابت نگفتند بلکه آن قدر سنگ زدند که خون از پایش جاری شد و پیامبر به باغی پناه برد و زیر درختی با خدای خود چنین راز و نیاز کرد: خداوندا! ناتوانی و نارسایی خودم و بی حرمتی مردم را به پیشگاه تو شکایت می کنم ای کسی که از همه رحیمان رحیم تری، تو پروردگار منی مرا به که و امی گذاری؟ به افراد دور دست که با چهره درهم کشیده با من روبرو می شوند، یا به دشمنانی که زمام امر مرا به دست می گیرند. پروردگارا همین اندازه که از من خشنود باشی مرا کافیست....

پیامبری که دشمنان گاه او را ساحر خوانده و گاه دیوانه و گاه خاکستر بر سرش ریخته و یا کمر به قتلش بستند اما با همه این احوال صبر و شکیبایی را ادامه داد. زیرا تحقق آرمان انبیاء همواره با تحمل مشکلات بوده است.

فصبروا علی ما کذبوا و أذوا حتی اتاهم نصرنا. (انعام، ۳۴/۶)

صبر مستمر زمینه ساز نزول رحمت و نصرت الهی است. با وجود سختی هایی که همواره در راه پیامبر بوده شک نیست که پیامبر در گفت و گوهایی منطقی که با مشرکان سرسخت داشت گاهی از شدت لجاجت آنها و گاهی از نسبت های ناروایی که به او می دادند اندوهگین می شد، لذا خداوند بارها پیامبر را در این مواقع دلداری می دهد تا با دلگرمی و استقامت بیشتر برنامه خویش را تعقیب کند.

آری اداره جامعه اسلامی و هدایت مردم بدون بردباری سبب از بین رفتن نیروها می شود پس برای سیادت جامعه اسلامی صبوری و بردباری امری ضروری است. لذا قرآن به پیامبر (ص) صبر را توصیه می کند: فاصبر کما صبر اولوا العزم من الرسل و لاتستعجل لهم کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار. (احقاف، ۳۵/۴۶)

پس صبر کن همانطور که پیامبران اولوا العزم صبر کردند و به شتاب برای این کفار عذاب مخواه که بزودی روز قیامت را با کیفرهایی که دارد خواهند دید و حالشان مانند کسی است که بیشتر از ساعتی در زمین نبوده است.

دستور به این صبوری گاهی در مقابل مخالفان است:

فاصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربک. (ق، ۳۹/۵۰)؛ بر آنچه می گویند صبور باش و

به ستایش پروردگارت تسبیح گوی .

بعضی افراد گستاخ به صراحت پیامبر را دروغگو می شمردند ولی از آنجا که حفظ دین و اشاعه رسالت الهی صبر و تحمل را می طلبد قرآن می فرماید :

و لقد کذبت رسل من قبلک فصبروا علی ما کذبوا و اذوا حتی اتاهم نصرنا... (انعام، ۳۴/۶)

هر آینه تکذیب شدند رسولان قبل از تو اما صبر کردند بر آنچه به دروغ نسبت داده شدند و مورد آزار قرار گرفتند تا اینکه یاری ما به ایشان رسید .

لذا قرآن از زبان انبیاء نقل می کند :

و مالنا الا نتوکل علی الله و قد هدانا سبیلنا و لنصبرن علی ما آذیتموننا و علی الله فلیتوکل المتوکلون . (ابراهیم، ۱۲/۱۴)

و چه برای ماست که بر خدا توکل نکنیم؟ در حالی که هدایت کرد ما را به راهمان و هر آینه صبر خواهیم کرد بر آنچه رنج داد به ما پس باید بر خدا توکل کنند توکل کنندگان .

لازمه پیمودن راه خدا تحمل سختی هاست و کسی می تواند صبر کند که تکیه گاهی داشته باشد .

خداوند در آیه فوق صبر در برابر آزار و اذیت امت را فرع بر وجوب توکل بر خدا قرار داده است و معنایش این است که : حال که واجب شد بر او توکل کنیم و حال که ما بر او ایمان داریم و حال که می بینیم او ما را به راه هایمان دلالت و رهبری فرموده است ، جا دارد که در راه دعوت شما به سوی او در برابر آزار شما صبر کنیم تا او به آنچه که می خواهد حکم فرماید و هر چه می خواهد بکند بدون اینکه ما به حول و قوه خیالی خودمان اعتماد بکنیم . ۱۴

آنچه به انسان روحیه می دهد و تحمل مشکلات را آسان می کند در راه خدا بودن آنها است و فشارها مردان خدا را به تسلیم و ادا نمی کند . انجام وظیفه و پایداری بر حق مهم است نه پیروزی ظاهری چنانکه خداوند در آیه ۱۴۶ آل عمران می فرماید : و الله یحب الصابرين ، و نفرموده یحب الفاتحین .

نتیجه صبر و استقامت و توکل در راه خدا و مهاجرت به سوی خدا خیر و نیکی و پاداش دنیوی و اخروی را به همراه دارد چنانکه صبر و هجرت و توکل پیامبر موجبات شکل گیری نهال اسلام در مدینه را به همراه داشت ، در حالی که مخالفان حق ، سلامی جز بدگویی و افترا و سخریه و استهزاء و انواع فشارها و ستم ها را ندارند . پس سلاح

مؤمنان باید پاکی و تقوا و سخن حق و نرمش و محبت باشد، و صبر زمینه ساز عفو و احسان نسبت به طرف مخالف می شود. احسانی که باعث تبه و بیداری است:

ولا تستوی الحسنه و لا السيئة ادفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك وبينه عداوة كانه ولي حميم . و ما يلقاها الا الذين صبروا و ما يلقاها الا ذو حظ عظيم . (نصلت، ۳۴/۴۱ و ۳۵)

هرگز نیکی و بدی یکسان نیست، بدی را با نیکی دفع کن تا دشمنان سرسخت همچون دوستان گرم و صمیمی شوند. اما به این مرحله جز کسانی که دارای صبر و استقامتند نمی رسند و جز کسانی که بهره عظیمی از ایمان و تقوا دارند به آن نائل نمی گردند. در آیه فوق نیز صبر به معنای تحمل در برابر گفتار مخالفین است و عکس العملی که با گفتار نیکو باید به احسان تبدیل شود و طرف مقابل هم با مشاهده این بزرگواری تحت تاثیر قرار گرفته ابراز صمیمیت می کند و این راهی برای هدایت آنها است که در سایه صبر حاصل می شود.

رفتار نیکو با ناهلان و تحمل مخالفان، مخصوص کسانی است که خودسازی کرده باشند. ماضی بودن «صبروا» نشانه آن است که این افراد از قبل خودسازی کرده اند زیرا رسیدن به قله صبر کار آسانی نیست.

و ما يلقاها الا الذين صبروا: انسان باید مدت‌ها خودسازی کند تا بتواند بر خشم و غضب خود چیره شود و آن قدر سعه صدر و وسعت روحی پیدا کند که از آزار دشمن متأثر نشود و حس انتقامجویی را در خود سرکوب کرده و به مقام دفع سیئه به حسنه برسد. انتقام و مقابله به مثل در برخوردهای اخلاقی نشانه کم صبوری است. اینجاست که ریشه همه ملکات و فضایل اخلاقی و پیشرفت‌های مادی و معنوی صبر است.

زیربنای انجام وظیفه بعد از تقوی، مقاومت و صبر است چنانکه در آیه ۳۵ سوره حج خداوند می فرماید: وجلت قلوبهم و الصابرين.

اگر صبر با تقوی توأمان گردد، دشمن اگر هر لحظه هم بر مؤمنان بتازد خدا آنها را یاری خواهد کرد چنانکه پیامبر و مؤمنین در نتیجه صبر خود در جنگ بدر از امداد غیبی و عنایت خاص الهی بهره مند شدند:

بلى ان تصبروا و تقوا و يأتوكم من فورهم هذا يمددكم ربكم بخمسة الاف من الملائكة مسومين . (آل عمران، ۱۲۵/۳)

مراد از یاری پنج هزار فرشته، امکانات و نیروهای الهی است که در اثر استقامت و پایداری در تأیید مؤمنین قرار خواهد گرفت. چنانکه در آیه ۶۵ سوره انفال می فرماید:

ای پیامبر مؤمنان را بر پیکار با کفار تشویق کن، اگر بیست نفر از شما پایدار باشند بر دوست نفر پیروز می شوند و اگر از شما صد نفر (مقاوم) باشند بر هزار نفر از کافران غلبه می یابند.

این آیه موازنه قوا را در عدد نفی می کند و به روحیه صبر و ایمان تکیه می کند زیرا جنگ های صدر اسلام، هرگز موازنه آمار بین مؤمنان و کفار نبوده است.

یا ایها النبی حرّض المؤمنین علی القتال ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مائتین و ان یکن منکم مائة یغلبوا ألفا من الذین کفروا بانهم قوم لا یفتنون. (انفال، ۶۵/۸)

در آیات فراوانی از قرآن کریم از صبر به عنوان بهترین وسیله دفاع و سپر مقاومت در برابر مصائب و شدائد جنگ و مداومت و استمرار آن تأکید شده، زیرا وسیله ای است که موجب پشتیبانی و همراهی الهی است و این امر چهار بار در قرآن تکرار شده است: ان الله مع الصابرين. از طرفی در قرآن صبر و صلوة در بسیاری از آیات با یکدیگر پیوند خورده اند، خداپرستی و اقبال به پروردگار عاملی برای کسب انرژی حرکت به سوی اهداف الهی است اما از آنجا که تکبر و خودبینی ها مشکل اصلی حرکت و گام برداشتن به سوی حق است رسیدن به وجه پروردگار خویش مستلزم وقت گذاری و صبر است.

عبادت پروردگار نیز صبر لازم دارد لذا در این خصوص خداوند به پیامبر می فرماید:

و اصطر لعبادته. (مریم، ۶۵/۱۹)

«اصطبار» یکی از مشتقات کلمه صبر است و کنایه از مبالغه در صبر است. یعنی باید در برابر راحت طلبی نفس و نیز در انجام عبادات که نیازمند کار و حرکت و تلاش است استقامت کرد. حال آن که نفس آرامش و سکون را می طلبد لذا باید شکیبایی زیاد باشد چنانکه می فرماید: و امر اهلک بالصلاة و اصطر علیها (طه، ۱۳۲/۲۰)

خاندان خود را به نماز فرمان ده و خود نیز بر آن صبور باش.

امر به معروف نیز مداومت و پایداری لازم دارد خصوصاً امر نماز که ریشه همه معروف هاست.

لازمه دقت در نماز، مواظبت بر آن، زیاد خواندن، به وقت خواندن، با حضور قلب

خواندن، اصطبار برصلوة است و از قسم صبر بر طاعت شمرده می شود و بدون این بردباری اقامه نماز به معنای واقعی امر دشواری خواهد بود.

و استعینوا بالصبر و الصلوة و انها لكبيره الا على الخاشعين. (بقره، ۲/۴۵)؛ از صبر و نماز استعانت بجوید. همانا نماز سنگین است مگر برای خاشعین.

مفهوم صبر بر طاعت از بعضی آیات دیگر نیز استنباط می شود نظیر آیه:
فاصبر لحکم ربک (انسان، ۲۴/۷۶)

پس در تبلیغ و اجرای احکام پروردگارت بردبار باش و از میدان گریز نداشته باش و از مشکلات و موانع راه هراسی به خود راه مده و همچنان به پیش حرکت کن.

یکی از دستورات بردباری قرآن به پیامبر (ص) در هنگام دریافت وحی می باشد چنانکه می فرماید: ... و لا تجعل بالقرآن من قبل ان یقضی الیک وحیه... (طه، ۲۰/۱۱۴)

آیه فوق درس های آموزنده ای را به همراه دارد و آنچه از آن می توان دریافت کرد اینکه فراگیری هر چیزی به تناسب خود آدابی دارد از جمله نهی عجله در دریافت وحی.

گاهی افرادی هنگام شنیدن سخن یک گوینده هنوز تمام نشده به تکرار و تکمیل آن می پردازند که این امر گاهی ریشه در کم صبری، گاهی غرور و اظهار وجود و گاهی عشق و علاقه زیاد به دریافت مطلب که انگیزه مقدسی است، دارد. ولی نفس عمل عجله کردن مشکلاتی دارد چون کارهای شتاب زده خالی از عیب نخواهد بود و پیامبر به دلیل برخورداری از مقام عصمت باید ستمشق همه باشد تا مردم بدانند وقتی برای دریافت وحی نباید شتابزدگی باشد تکلیف بقیه کارها روشن است.

البته نباید عجله را با سرعت اشتباه گرفت. سرعت آن است که برنامه تنظیم شده و تمام مسائل محاسبه شده باشد ولی عجله آن است که برنامه پخته نباشد و نیاز به تأمل و بررسی دارد، بنابراین عجله امری نامطلوب و سرعت امری مطلوب می باشد.

با توجه به آیات قرآن، خداوند انبیاء را برای حفظ تعادل انگیزه های خویش در ارتباط با انجام رسالت الهی به صبوری توصیه نموده است و در آیتی به پیامبر (ص) تذکر می دهد که مبادا در مقابل مقاومتی که پیش می آید افراد را رها کنی و به سراغ اغنیاء بروی. قرآن این تذکر را با یک هشدار مطرح می کند:

و اصبر نفسک مع الذین یدعون ربهم بالغداوة و العشی بریدون وجهه و لاتعدعیناک عنهم

ترید زینه الحیاة الدنیا ولا تطع من اغفلنا قلبه عن ذکرنا و اتبع هواه و کان امره فرطاً . (کهف، ۱۸/۲۸)

به پیامبر خطاب می کند به همراه وجودهای مؤمنی که مخلص هستند و ارتباط محکمی با خدا دارند و دل به خدا سپرده اند و طالب ارزش های الهی هستند صبر کن و مبادا چشمت را از اینها برداری و به دیگران متوجه شوی گویا قصد زینت دنیا می کنی (زیرا توجه به اغنیاء یک نوع قصد زینت دنیا است) مبادا به کسانی توجه کنی که ما دل آنها را از ذکر خود غافل کرده ایم در حالی که از هوای نفس خویش پیروی می کنند و کار آنها زیاده روی می باشد .

تعبیر «و اصبر نفسک» اشاره به این واقعیت است که پیامبر (ص) از ناحیه مخالفان و اشراف مشرک در فشار بود که مؤمنان فقیر را از خود دور کند، لذا به پیامبر دستور می دهد به خاطر زینت های دنیا دیده به مستکبران مینداز زیرا آنان از یاد خدا غافلند اما مؤمنان تهیدست قلبی مملو از عشق الهی دارند و طی دوران فقر و عدم اظهار عجز و بی چیزی در هنگام اضطراب و تنگدستی مؤمنان نیازمند صبر است تا مؤمنان به معصیت دچار نشوند . از طرفی استقامت بر طریق اسلام وسعت در رزق را در پی دارد چنانکه در قرآن می فرماید :

و ان لو استقاموا علی الطریقه لاسقیناهم ماء غدقاً . (جن، ۱۶/۷۲)؛ و اینکه اگر بر راه رشد استقامت بورزند ما ایشان را آبی گوارا و زیاد می چشانیم .

مراد از طریقه، طریقه اسلام است و استقامت بر طریقه به معنای ملازمت و ثبات بر اعمال و اخلاقی است که ایمان به خدا و به آیات او اقتضای آن را دارد و «ماء غدق» به معنای آب بسیار است و بعید نیست از سیاق آنها استفاده شود که جمله لاسقیناهم ماء غدقاً، مثلی باشد که بخواهد توسعه در رزق را برساند .^{۱۵} به عبارتی مداومت و پایداری در دین و حاکمیت حق سبب راهیابی بیشتر و هدایت افزون تر و برخوردارگی از نعمت های بسیار مادی و معنوی است و انسان مؤمن در حوزه عملکرد شخصی و در حوزه فعالیت اجتماعی نیازمند صبر می باشد و بر مسلمانان فرض است در هنگام مواجهه با خطر جدی در حوزه سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و... و نیز در حوزه جهاد با نفس با استقامت سازمان یافته ای بر مبنای ایمان و تقوی به مبارزه برخیزند .

نتیجه کلام را قرآن به صورت مشخص و قاطع به مؤمنین دستور می دهد: یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون . (آل عمران، ۲۰۰/۳)

در آیه فوق صبر به دو صورت استعمال شده است یکی صبر فردی و یک طرفه «اصبروا» و دیگری صبر در مقابل دشمن «صابروا». صبر فردی در مصائب و سختی های یک طرفه مانند پایداری در علم و رسیدن به حقایق و واقعیات مربوط به اصول و فروع و تحمل پاسخگویی از ایرادات مخالفان، شکیبایی در ادای واجبات و مستحبات، صبر در خودداری از محرمات و منہیات، صبر بر شداید و سختی های دنیا مانند بسیاری فقر، قحطی و ترس و... می باشد.

اما صابروا از مصابره از باب مفاعله عبارت از تحمل سختی های دو جانبه میان خود و دیگران مانند تحمل اخلاق خانواده، همسایه، فامیل، ترک انتقام و اعراض از نادان، ایثار به غیر، عفو و گذشت، امر به معروف و نهی از منکر و تحمل مصائب جنگ و جهاد و شهادت می باشد.

و رابطوا یعنی انسان گذشته از تحمل سختی ها و صبر و استقامت، نیاز مبرم و فراوان به مراقبت دائم از دشمن درونی مانند نفس اماره و دشمنان خارجی دارد تا مبادا انسان را غافلگیر کرده بر وی بتازد. افراد انسانی باید پیوند و وحدت را در راه خدا و رسیدن به کمال قرار دهند نه در راه طاغوت و استعمارگران تا در نهایت بتوانند به حقایق دست یابند. خداوند این موهبت بزرگ و این عطیه آسمانی، یعنی صبر و شکیبایی و استقامت را به ما ارزانی دار، تا چراغ هدایتی که پیامبر (ص) پیش رویمان قرار داده، فروزان نگهداریم و در برابر مشکلات زانو نزنیم و امواج و طوفان ها را پشت سر گذاریم و این جز با لطف تو ممکن نیست.

۱. راغب اصفهانی، مفردات و ماده «صبر».
۲. امام محمد غزالی، کیمیای سعادت/۶۱۴، انتشارات جاویدان.
۳. کلینی، اصول کافی، ۹۰/۲، کتاب الایمان و الکفر، باب صبر، ح ۲.
۴. فیض کاشانی، محجة البیضاء، ۱۰۶/۷.
۵. اصول کافی، ۹۱/۲، کتاب الایمان و الکفر، باب صبر، ح ۱۵.
۶. صحیفه سجاده، دعای ۳۲.
۷. مناقب ابن شهر آشوب، ۱/۱۴۵؛ بحار الانوار، ۱۶۰/۲۲۶.
۸. مصباح الشریعه/۱۵۴؛ بحار الانوار، ۷۱/۴۲۲.
۹. درالمشور، ذیل آیه.
۱۰. مجمع البیان، ۱۹۹/۵.
۱۱. مفردات راغب، ماده «قوم».
۱۲. مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی (منطق عملی)/۱۷۴.
۱۳. اعیان الشیعه، ۱/۲۲۳.
۱۴. تفسیر المیزان، ۱۲/۴۵.
۱۵. همان، ۲۰/ذیل تفسیر آیه فوق.